

نقش آفرینی گروه‌های زبان و ادبیات عربی در توسعه علمی دانشگاه‌ها

فرامرز میرزایی^۱، علی سلیمی^۲

چکیده

به نظر می‌آید که نابسامانی کنونی زبان و ادبیات عربی، مانند دیگر رشته‌های موجود، در دانشگاه‌های کشور ناشی از بی‌تدبیری برای آینده باشد. تجربه تمدن اسلامی در گذشته و تمدن اکنون غرب روشن می‌سازد که توسعه زبانی عامل پیشرفت است؛ زیرا زبان مهم‌ترین نهاد اجتماعی می‌باشد که ظرف دانش‌های گوناگون است. زبان عربی، علاوه بر این‌که زبان دینی و مؤثر بر زبان ملی و فرهنگی ماست، زبان رسمی 21 کشور دنیاست که در دوحوزه راهبردی خاورمیانه و شمال آفریقا هستند و با کشور ما نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی دارند، و به خاطر موقعیت ممتاز جغرافیایی و سیاسی، به نقش رسانه‌ای قابل توجهی دست یافته‌اند. از این‌رو با آینده‌نگری و برنامه‌ریزی می‌توان رشته زبان و ادبیات عربی را تبدیل به دانشی کارساز در توسعه علمی دانشگاه‌ها و کشور نمود و آن را به جایگاه مناسبی در میان رشته‌های دانشگاهی رساند. زبان عربی می‌تواند در ایجاد گرایش‌های نو و بین رشته‌ای، قطب‌های علمی، مراکز تحقیقاتی اقتصادی و اجتماعی و زبان پژوهی، انجمن‌های علمی و مجلات علمی پژوهشی، در توسعه علمی کشور نقش آفرینی کند.

کلیدواژه‌ها: پیشرفت علمی، توسعه فرهنگی، زبان عربی

mirzaeifaramarz@yahoo.com

1. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا

2. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی

تاریخ دریافت: 88/2/30 تاریخ پذیرش: 88/7/25

۱- مقدمه

در چند دهه گذشته، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری همیشه پیگیر برنامه‌های بوده است که به وسیله آن چشم‌انداز آینده علمی کشور و دانشگاهها را روشن کند؛ زیرا بر اساس اصل سیم قانون اساسی، دولت موظف به گسترش وسایل تحصیلات عالی تا سرحد خودکفایی کشور است. بندهای سوم (تسهیل و تعمیم آموزش عالی) و چهارم از اصل سوم قانون اساسی (تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق مراکز تحقیقاتی و تشویق محققان) از طریق وزارت علوم، تحقیقات و فناوری امکان‌پذیر است؛ بنابراین توسعه علمی و تولید دانش مهم‌ترین هدف وزارتخانه است.

اکنون که براساس سند چشم‌انداز بیست ساله که در پایان آن (۱۴۰۴ ه.ش) ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل، ... برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، ...» دانشگاهها چگونه می‌توانند به این هدف نائل آیند؟ اصولاً چه راهکار اجرایی می‌توان برای این امر پیشنهاد کرد؟

بنا بر این تا الگوی تحول رفتاری تبیین نشود تعیین سیاستها و راهبردهای اثر بخش و کارآمد برای علم و فناوری با مشکل مواجه خواهد شد (واعظ زاده، ۱۳۸۱، ص ۸۹). در تمام الگوهای توسعه به عامل انسانی توجه اساسی شده است. از حسن اتفاق همین عامل مهم‌ترین مزیت نسبی کشور ماست؛ موفقیت جوانان و نوجوانان ایرانی در مسابقات علمی بین‌المللی، وجود نخبگان بالنده و ظرفیت نخبه‌پروری کشور و استعداد علم‌آموزی بالا، همه در کشورمان وجود دارد (همان، ص ۹۸).

با توجه به اهمیت عامل انسانی در توسعه، باید گروه‌های آموزشی را - که محل تجمع نیروهای متخصص و نخبه است - محور اصلی توسعه دانشگاه به حساب آورد؛ اما در اکثر برنامه‌های توسعه، اگرچه غیر مستقیم گروه‌های آموزشی مورد توجه بوده‌اند، لیکن هیچ‌گونه جایگاه ویژه‌ای به آنها داده نشده است. این درحالی است که هر گونه برنامه دانشگاهی، در نهایت، باید به وسیله همین گروه‌ها اجرا گردد؛ بنابراین بی‌توجهی به نقش گروه‌های آموزشی، ندادن جایگاه ویژه و عدم مشارکت آنها در برنامه‌ریزی، توسعه علمی را عقیم و کم اثر می‌کند.

2- روش‌های آینده پژوهی

بی تردید «نابسامانی شرایط کنونی نتیجه بی‌توجهی به آینده است» (منجره، 1990، ص 50) زیرا وضعیت کنونی چیزی جز آنچه قبلاً آماده کرده‌ایم، نیست و اگر بخواهیم آینده را تغییر دهیم باید از همین الان شروع کنیم. طبیعی است که آدمی هرچه آمادگی خود را برای رویارویی با مشکلات به تاخیر اندازد، توانایی‌اش در حل آنها کاهش می‌یابد. به تعبیر بهتر، آینده از هم اکنون آغاز می‌شود بلکه «نگرش به گذشته نیز جزئی از آینده است» (همان) زیرا آینده، نه در خلأ ایجاد می‌شود و نه با تقلید از غرب روی می‌دهد، بلکه با توجه به بعد زمانی - تاریخی و وجدان ملی به دست می‌آید (حنفی 2005ص 33) و گذشته همان گونه که این خلدون گفته است به آینده از آب به آب، شبیه‌تر است «ان الماضی أشبه بالآتی من الماء بالماء» (ابن خلدون، 2000، ص 17)

مطالعات آینده‌پژوهی حوزه‌ای بین رشته‌ای است و با طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها پیرامون آینده‌های محتمل، ممکن و مرجح ارتباط دارد. «مک‌هال» در خلال تحقیقی بین‌المللی در میان آینده پژوهان، بیش از هفده دیدگاه روش‌شناسی را شناسایی کرد که اغلب آنها در ارتباط و هماهنگی با یکدیگر به کار می‌رود (پ.پاساکل، روش‌های مطالعات آینده پژوهی) مانند روش دیده بانی؛ تحلیل روند؛ پیش‌روند؛ برون‌یابی روند؛ توسعه و تحلیل سناریو؛ مشاوره و همفکری؛ مدل‌سازی؛ شبیه‌سازی یا بازی

تحلیل تاریخی، توفان فکری «هم اندیشی»، چشم انداز پردازی و مطالعات ترازایی (آفتابی، پیشین،)

نکته مهم در آینده‌پژوهی، پذیرش گزینه‌ها و پیش‌فرض‌های متعدد آینده است که شامل گزینه‌های زیر است:

1- آینده ممکن: هر چیزی اعم از خوب یا بد، محتمل یا بعید، می‌تواند در آینده رخ دهد.

2- آینده‌های محتمل: آنچه به احتمال بسیار زیاد در آینده به وقوع خواهد پیوست (مبتنی بر استمرار روندهای کنونی در آینده).

3- آینده‌های مرجح: آنچه مطلوب‌ترین و مرجح‌ترین رویداد آینده به شمار می‌رود.

4- هدف: محتمل ساختن آینده‌های مرجح یا مطلوب است. بدین منظور باید از آنچه که می‌خواهیم بیافرینیم تصویری روشن و شفاف در ذهن داشته باشیم (به ویژه از ارزش‌هایی که می‌خواهیم بر جوامع آینده حاکم باشند).

5- هدف: توجه به آینده‌های ممکن است که علی‌رغم تردید در وقوعشان، تحقق برخی از آنها اثر بزرگی بر زندگی مردم می‌گذارد. (ویکی‌پدیا، پیشین)

3- آموزش عالی و آینده پژوهی

تولید دانش مورد نیاز جامعه، مهم‌ترین هدف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است و مسئولان ارشد وزارتخانه؛ در چند دهه گذشته، برنامه‌هایی را تدوین کرده‌اند تا به این هدف برسند. معمولاً در تدوین سرفصلهای درسی و بیان اهداف رشته آموزشی، این مطلب ذکر شده است. در همین مدت همایشهای فراوانی در این زمینه برگزار شده و تلاشهای بسیاری صورت گرفته است که یکی از مهم‌ترین آنها لایحه تغییر ساختار وزارت تحقیقات و فناوری بود.

بی‌گمان گسترش هدفمند و خردمندانه آموزش عالی در هر کشوری، بیش از هر چیز نیازمند برنامه‌ریزیهای آینده‌نگر است. « برنامه‌هایی که نیازها و شرایط آینده را به خوبی

درک کرده و چشم‌اندازهای مناسبی را برای رسیدن به آینده‌های مرجح ترسیم و تدوین کند» (حجازی، نگاهی به آینده پژوهی دانشگاهی). دگرگونی‌هایی شگفت‌انگیز دنیای کنونی، انتظارات و اهداف آموزشی را تغییر داده است به ویژه اینکه آموزش عالی شامل گستره عظیمی از استاد، دانشجو، محتوای دروس و اهداف آموزشی، است که همگی در آینده پژوهی دانشگاهی جایگاه ویژه‌ای دارند، و اولویت هر یک متناسب با نقشی که در آموزش عالی یک جامعه بازی می‌کنند، مورد توجه قرار می‌گیرد.

مسئولیت مهم‌تر آینده‌پژوهی دانشگاهی، ترسیم سناریوهای آینده دانش و فناوری است. تخصص یا حرفه پیش‌بینی فناوری در این بخش، با کمک به آینده‌پژوهان محورهای پژوهش و توسعه را برای دانشگاهیان تدوین و مشخص می‌کند. بدون تردید، هیچ فرد کارشناس یا کاردانی بهتر از خود او نمی‌تواند چشم‌انداز آینده و نیازهای آن را تعیین کند. حضور آینده‌پژوهان دانشگاهی در این بخش و در کنار کارشناسان فعال در حوزه علمی یا پژوهشی، آنان را در ترسیم بهتر آینده‌های بدیل و کوشش برای محقق ساختن آینده‌های مرجح یاری می‌دهد. (همان)

در این مقاله با توجه به جایگاه درخور گروه آموزشی از دو روش مشاوره و همفکری (آینده‌پژوهی مشارکتی)، و مدل‌سازی، با پیش‌فرض آینده‌های مرجح و هدف محتمل ساختن آینده‌های مرجح یا مطلوب، استفاده شده است. همچنین مدت زمانی بین 5 تا 10 سال مد نظر قرار گرفته است. علت انتخاب روش مشاوره، علاوه بر آموزه‌های دینی و اهمیت ویژه گروه آموزشی و اعضای هیأت علمی متخصص آن، دلایل زیر است:

«انعطاف‌پذیری فراوان برای «احساس و درک» یک موضوع؛ مشارکت دادن گروه زیادی از افراد و جذاب بودن روش برای انتشار برون دادهای آینده‌نگاری و در نهایت انجام سریع کار که به کسب سریع نتایج، منجر می‌شود» (پ. پاساگل، پیشین)

4- گروه‌های آموزشی و توسعه علمی

گروه‌های آموزشی کوچک‌ترین واحد دانشگاهی و در عین حال اساسی‌ترین رکن علمی هر دانشگاهی هستند، اما در برنامه‌ریزیهای توسعه علمی به نقش مهم و اساسی آنان در رسیدن به اهداف توسعه توجهی نشده است. بر اساس ماده 35 آیین‌نامه مدیریت دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مصوبه 1370 شورای عالی انقلاب فرهنگی، گروه آموزشی «واحدی است متشکل از اعضای هیأت علمی متخصص در یک رشته از شعب دانش بشری که در دانشکده یا آموزشکده‌ای دایر است و اعضای هیأت علمی گروه مجموعاً شورای آن گروه را تشکیل می‌دهند» (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مجموعه قوانین آموزش عالی، 1372، ص 456) از این تعریف به خوبی روشن می‌گردد که گروه آموزشی رکن اساسی دانشگاه به شمار می‌رود و نمی‌توان برنامه علمی را بدون دادن نقش اصلی به وی اجرا کرد؛ زیرا افراد متخصص در گروه گرد هم می‌آیند و آنان هستند که توانایی علمی لازم را برای اجرای برنامه‌های توسعه دارند.

وظایفی که در این ماده برای شورای گروه در نظر گرفته شده، غالباً به منظور انجام امور اداری و آموزشی معمولی است. اما برخی از این وظایف قابل توجه است:

ط) ارزیابی سالانه کار گروه برای طرح در شورای آموزشی - پژوهشی
 ی) برنامه ریزی در مورد دروس طبق اختیاراتی که شورای [علوم و آموزش عالی] تفویض کرده است

ک) بررسی و اعلام نظر برای اصلاح سرفصلها و تجدید نظر در عنوان درسها (از حیث اصلی یا اختیاری بودن) و همچنین تعیین محتوای دروس با توجه به آخرین پیشرفتهای علمی برای تصویب در شورای [علوم و آموزش عالی] (همان ص 457-458).

به نظر می‌آید که گروه‌های عربی از این وظایف، به ویژه، «تجدید نظر مستمر در برنامه‌ها با توجه به آخرین پیشرفت‌ها و تغییرات و تحولات» و «بررسی و اعلام نظر برای اصلاح سرفصلها و تجدید نظر در عنوان درسها» غافل مانده‌اند و برنامه خاصی برای اجرای آن نداشته‌اند. اکنون با توجه به رویکردهای تازه که دو محور اصلی آن

«توسعه علمی» و «نهضت نرم افزاری» است، به نظر می‌آید باید وظایف گروه‌های عربی از نو تبیین گردد. و نقش بیشتری به آنها داده شود تا اهداف دو محور ذکر شده تحقق یابد.

گروه آموزشی - از جمله عربی - با تمام مؤلفه‌های توسعه سروکار مستقیم دارد: «دانش» به وسیله گروه تدریس می‌گردد. «پژوهش» به وسیله گروه انجام می‌گیرد. اولین مرحله آشنایی «استاد» با محیط علمی دانشگاه از گروه است. «دانشجویان» از هنگام ورود تا خروج با گروه آموزشی سروکار دارند. طبیعی است که گروه کارکرد اساسی در تربیت علمی و فرهنگی دانشجویان دارد. با وجود این، و با این همه تغییرات علمی و رویکردهایی که در دنیا و ایران رخ داده است، در شرح وظایف گروه‌ها تغییرات مستقیمی ایجاد نشده است.

یکی از برنامه‌های آموزش عالی که برای فعال کردن گروه‌های آموزشی اجرا شد برنامه «ارزیابی درونی» گروه‌ها بود که گروه زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های کشور کمترین استفاده را از این برنامه داشت.

در برنامه توسعه دانشگاهی لازم است که هر گروهی با مشاورت اعضاء اهداف مشخصی را تبیین کند و مدت زمان لازم را برای رسیدن به آن اهداف تعیین نماید. طرح ارزیابی درونی گروه‌ها که ذکر شد، در همین راستا بود. اما در اینجا فقط پیشنهادهایی مطرح می‌گردد که تکمیل آن نیاز به یک کار تحقیقاتی در سطح دانشگاهها دارد.

براساس تجربیات و اهداف علمی‌ای که طبق قانون اساسی برای نظام جمهوری اسلامی متصور است و باید در چشم انداز بیست ساله تا سال 1404 به آن برسد، می‌توان اهداف زیر را برای گروه‌ها تبیین کرد:

1-4-اهداف آموزشی

در مقالات و مطالبی که در باره توسعه علمی کشور نوشته شده است، به توسعه آموزشی به عنوان یکی از محورهای مهم توجه شده است، البته به نوآوری و خلاقیت در آموزش نه یادگیری صرف (فریدون، 1381، ص112)

1-1-4- نوآوری در روش‌های آموزش و ایجاد آموزش‌های مجازی: با ورود به قرن 21 دیگر روش‌های گذشته پاسخگوی نیازهای آموزشی جدید نیست؛ لذا باید روش‌های تدریس متناسب با پیشرفت علم و فناوری تغییر کند. استفاده از ابزارهای رایانه‌ای مانند html, power point و در آموزش، به تعبیر بهتر استفاده از فناوری اطلاعات، تحول جدی در آموزش ایجاد می‌کند (اسماء بنت عبد الرحمن، ص 234) ایجاد نرم افزارهای آموزشی و کتابخانه تخصصی مجازی (Virtual Library) و مانند آن باید در برنامه ریزی گروه‌های آموزشی قرار گیرد و در ارزیابی سالانه مقدار موفقیت گروه را در این زمینه بیان کنند. ایجاد کتابخانه مجازی عربی، تولید نرم افزارهایی آموزشی در زمینه دروس عربی، بهره برداری از فناوری اطلاعاتی و شبکه جهانی اینترنت، ... و در نهایت به‌کارگیری گسترده فنآوری در تدریس می‌تواند مد نظر گروه‌های زبان و ادبیات عربی قرار گیرد و کاستیهای موجود در زمینه آموزش و دسترسی به منابع روز، تا حدود زیادی برطرف شود.

2-1-4- توسعه زمانبندی شده مقاطع تحصیلی موجود: گروه‌های عربی باید تلاش نمایند مقاطع تحصیلی جدید - که در حال حاضر در آنها دایر نیست - در مدت زمانی مشخص و با شرایط لازم تاسیس کنند، و برنامه ده ساله آموزشی را از 1388 تا 1398 تدوین نمایند. نکته مهم فراهم کردن زمینه علمی لازم برای ایجاد مقطع تحصیلی است. گروه‌ها باید از روش‌های غیر علمی و ناپسند مانند قراردادهای صوری پرهیز نمایند؛ زیرا این امر کیفیت علمی زبان و ادبیات عربی را در کشور آسیب پذیر می‌نماید.

3-1-4- ایجاد گرایش‌های جدید: مرزهای دانش به شکل سرسام آوری گسترش می‌یابد لذا ایجاد گرایش‌های تخصصی‌تر بسیار مهم است. شگفت‌انگیز است که در دانشگاه‌های کشور هنوز بسیاری از رشته‌های دانشگاهی دارای هیچ گرایشی نیستند!! یکی از این رشته‌ها عربی است. البته تلاش‌های چند سال گذشته به یمن برگزاری

همایش‌های مستمر مدیران گروه‌های عربی که با همکاری انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی صورت گرفت، منجر به ایجاد گرایشهای جدیدی شده است؛ اما این امر کافی نیست و نیاز به تلاش جدی تمامی گروههای عربی کشور داد.

گروه آموزشی زبان و ادبیات عربی با مشاورت با دیگر گروهها و مطالعه رشته‌های موجود در دانشگاههای جهان و تطابق آن با نیازهای کشور، گرایشهای جدید را پیشنهاد و در نهایت به تصویب برسانند. این امر به بومی سازی علوم کمک بسیاری می‌کند. این موضوع در ماده 3 «آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاهها» مصوب 79/2/10 آمده است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مجموعه قوانین):

«ماده 3- دانشگاه می‌تواند بر اساس نیازهای جامعه و تحولات علمی روز، پیشنهاد ایجاد رشته‌های جدید را همراه با گزارش توجیهی شامل ضرورت ایجاد رشته و امکان اجرای آن به شورای عالی برنامه ریزی ارائه نماید. پس از تصویب عنوان رشته جدید، دانشگاه می‌تواند با رعایت مفاد این آیین‌نامه، برنامه درسی آن رشته را تدوین و پس از اخذ مجوز از شورای گسترش آموزش عالی به اجرا درآورد.

از مهم‌ترین گرایشهایی که تاکنون ایجاد نشده است گرایش «آموزش زبان عربی» است که خوشبختانه سرفصلهای آن - در مقطع کارشناسی ارشد - در دانشگاه تربیت مدرس به تصویب رسیده است. همچنین گرایش «زبان عربی کاربردی» بسیار ضروری به نظر می‌رسد که فارغ‌التحصیلان آن بتوانند در بازار کار جایی برای خود بیابند و مهارتهای لازم برای استفاده از عربی را به دست آورند تا کارآفرینی نمایند.

گرایشهای دیگری نیز می‌توان ایجاد و آن را به شکل متناوب در کشور اجرا کرد مانند: زبانشناسی عربی، بلاغت و نقد عربی، صرف و نحو عربی... که می‌توان هر کدام را متناسب با نیاز کشور و تقاضای برگزاری آن در مقاطع مختلف تاسیس کرد.

4-1-4- ایجاد گرایشهای میان رشته‌ای: در کنفرانسهای گوناگون در باره آموزش عالی و در کشورهای مختلف به ایجاد گرایشهای بین رشته‌ای توجه جدی شده است؛ زیرا درهم تنیدگی علوم یکی از ویژگیهای دانش و فناوری امروزه است. در نتیجه گرایشهای بین رشته‌ای از نیازهای اساسی جامعه امروزی شده است و گروههای

آموزشی باید بیش از پیش به ایجاد این گرایشها اهتمام نشان دهند، و آن را با زمانبندی مشخص در برنامه خود بگنجانند؛ حتی در صورت لزوم آن را جایگزین گرایشهای کنونی نمایند.

گروه آموزشی زبان و ادبیات عربی با همکاری دیگر گروهها می‌تواند رشته‌های زیر را ایجاد نماید:

1-4-1-4- گروه زبان و ادبیات فارسی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری: خوشبختانه دانشگاه شهید باهنر سرفصل کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی فارسی و عربی را تدوین و به تصویب رسانده است و در حال اجراست و دیگر گروه‌های آموزشی می‌توانند از آن استفاده کنند. البته نباید فراموش کرد که مهم‌ترین هدف گرایش ادبیات تطبیقی تقویت زبان و فرهنگ ملی است.

2-4-1-4- رشته ایران شناسی: با توجه به اهمیت زبان عربی در دوره‌های تاریخی ایران و روابط فارسیان با عربها، و همچنین نقش بارز ایرانیان در زبان و ادبیات عربی و تمدن و فرهنگ اسلامی، به نظر می‌آید بدون متخصصان زبان و ادبیات عربی نمی‌توان رشته ایران شناسی را دایر کرد؛ به همین دلیل گروههای عربی می‌توانند در ایجاد این رشته میان رشته‌ای با دیگر گروهها همکاری نمایند.

3-4-1-4- گرایش تبلیغات رسانه‌ای (علوم اجتماعی، گرایش ارتباطات - انگلیسی - فارسی): همیشه تبلیغات بسیار مهم بوده است. امروزه رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های مجازی جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. زبان عربی در ایجاد رسانه‌های مجازی جایگاه درخوری دارد. می‌توان نهادهای اقتصادی و فرهنگی را در ایجاد سایتها و خبرگزاریهای عربی کمک کرد. این امر نیاز به ایجاد گرایشی با عنوان «تبلیغات رسانه‌ای» دارد که با همکاری گروههای علوم ارتباطات و زبانهای فارسی و انگلیسی امکان پذیر است.

5-1-4- نقش آفرینی در ایجاد گرایشهای جدید و مؤثر

گروه زبان و ادبیات عربی می‌تواند به گروههای اقتصاد- الهیات - تاریخ - فلسفه اسلامی کمک کند تا گرایشهای جدیدی در دانشگاه ایجاد کنند که در تولید دانش و ایجاد مهارت لازم برای دانش آموختگان مؤثر باشد:

گرایشهای مانند «اقتصاد خاورمیانه و شمال افریقا» و «آینده پژوهی سیاسی خاورمیانه و شمال افریقا» با همکاری گروههای اقتصاد علوم سیاسی می‌تواند در برنامه آموزشی گروه قرار گیرد، زیرا کشورهای عربی خاورمیانه و شمال افریقا که نقش مهمی در اقتصاد جهانی شد، به خاطر نزدیکی به ایران می‌تواند. بازار کار، سرمایه و صادرات مهمی برای کشورمان باشد. و تربیت متخصصان در اقتصاد این منطقه، بسیار مهم است. گروههای عربی می‌توانند با همکاری گروه اقتصاد و علوم سیاسی چنین رشته‌هایی را در مقطع تحصیلا تکمیلی دایر نمایند که فارغ‌التحصیلان آن بتوانند بازرگانان ایرانی را در کسب بازار این منطقه کمک نمایند.

گرایشهای دیگری را هم می‌توان نام برد که قابل توجه است مانند: گرایش داروسازی سنتی و یا طب سنتی؛ زیرا اکثر منابع اصیل این رشته به زبان عربی است. و فلسفه و تمدن اسلامی، و فرهنگ و علوم قرآنی با همکاری گروه الهیات نیز ایجاد مرکز زبان‌شناسی با همکاری گروههای فارسی و زبان‌شناسی و باستان‌شناسی.

6-1-4- تحول در سرفصلها و ایجاد دروس متناسب با نیاز جامعه: این موضوع به

صراحت در اهداف و مواد «آیین‌نامه و گذاری اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاه-ها» مصوب 79/2/10 ذکر شده است. این آیین‌نامه با استناد به سیاستهای برنامه سوم توسعه و به منظور حرکت در جهت نهادینه کردن مشارکت دانشگاهها در مدیریت آموزش عالی، تمرکززدایی و ارتقای کیفیت آموزش عالی در خصوص واگذاری اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاههای واجد شرایط وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به مورد اجرا گذاشته می‌شود. در ماده 1، اهداف این آیین‌نامه چنین ذکر شده است:

الف - انطباق هر چه بیشتر برنامه‌های درسی با نیازهای جامعه
 ب- نهادینه کردن برنامه ریزی درسی در دانشگاهها
 ج- روزآمد شدن برنامه‌ها با توجه به تحولات دانش بشری
 د- تناسب بیشتر برنامه‌های درسی با امکانات و تواناییهای دانشگاهها «(همان)
 در ماده 4، آمده است «دانشگاه می‌تواند در چهارچوب آیین‌نامه‌های آموزشی دوره‌های تحصیلی، مصوب شورای عالی برنامه ریزی، نسبت به بازنگری، حذف، ادغام، جایگزینی و تغییر دروس رشته‌های موجود در آن دانشگاه اقدام کند»(همان)
 گروههای عربی می‌توانند دروسی مانند فناوری اطلاعاتی و عربی، نرم افزارهای رایانه‌ای علمی عربی، متون اقتصادی، مقایسه موضوعات ادبی مهم عربی و فارسی، مقایسه شخصیت‌های برجسته عربی و فارسی، ایرانیان در تمدن اسلامی، یا شخصیت‌های برجسته ایرانی تمدن اسلامی، حکمت ایرانی و ادبیات عربی و مانند آن را بر حسب نیاز در برنامه درسی جای دهند.

2-4- اهداف پژوهشی

نیازی به بیان اهمیت پژوهش نیست. گروههای آموزشی که رکن اساسی توسعه به شمار می‌روند، هیچ‌گونه برنامه‌ای برای امور پژوهشی خود و ایفای نقش مؤثر در تولید دانش ندارند و اصولاً پژوهش در حاشیه فعالیت‌های گروه قرار گرفته است. این امر در رشته‌های علوم انسانی شکل فاجعه آمیزی دارد! این درحالی است که در چندسال گذشته، پژوهش، مهم‌ترین اولویت وزارت علوم، فناوری و تحقیقات بوده است. اگرچه آیین‌نامه‌هایی مانند «آیین‌نامه ارتقاء..» و «آیین‌نامه ترفیع سالیانه» و آیین‌نامه تشویق فعالیت‌های پژوهشی «انگیزهای لازمی برای فعالیت پژوهشی به حساب می‌آید اما بازهم گروههای آموزشی فاقد برنامه پژوهشی هدفمند هستند. البته این کار، به‌سادگی امکانپذیر نیست و باید گروه‌های آموزشی عربی ملزم به انجام آن گردند. برای گروههای عربی برنامه‌هایی به شرح زیر می‌توان تعیین کرد:

1-2-4- تبیین برنامه ارتقاء علمی هر فرد هیأت علمی عضو گروه: شورای گروه، برنامه هر فرد هیأت علمی را جهت ارتقاء از مرتبه موجود به مرتبه علمی بالاتر تدوین نماید (از مربی به استادیاری، از استادیاری به دانشیاری، از دانشیاری به استادی) و هر فرد هیأت علمی با نظارت گروه ملزم به اجرای آن باشد. بدین ترتیب در برنامه زمانی ذکر شده، سطح علمی گروه عربی رشد فزاینده ای خواهد داشت.

2-2-4- تبیین برنامه پژوهشی هر فرد هیأت علمی و تعیین اولویتهای پژوهشی گروه: هر عضو هیأت علمی باید برنامه پژوهشی خود را که شامل موارد زیر است به گروه اعلام نماید:

1-2-2-4- تولید دانش با چاپ مقالات (حداقل یک مقاله در سال توسط هر هیأت علمی) در مجلات معتبر علمی پژوهشی داخلی و خارجی.

2-2-2-4- طرح‌های پژوهشی در پیشبرد دانش و توسعه علمی: طرح‌های پژوهشی نقش مؤثری در حل مشکلات موجود جامعه دارند و می‌تواند زمینه مناسبی برای ارتباط دانشگاه با صنعت باشد. در این زمینه گروه عربی می‌تواند با همکاری دیگر گروهها به ویژه اقتصاد در زمینه ایجاد بازار هدف در کشورهای عربی کمک نماید. در زمینه مسائل فرهنگی نیز گروه عربی با همکاری دیگر گروهها می‌تواند تحقیقات فرهنگی درخوری داشته باشد. نقد و زبان‌شناسی جدید هم زمینه در خوری برای تحقیقات همکاران در گروه عربی است. شاید مهم‌ترین زمینه پژوهش برای همکاران «پژوهشهای تطبیقی» عربی و فارسی باشد که مجال گسترده‌ای دارد و با توجه به نگرش جدید علمی ادبیات تطبیقی می‌توان بسیاری از ابهامهای موجود در روابط بین عربی و فارسی را روشن کرد.

3-2-2-4- عضویت در انجمن‌های علمی و هیأت تحریر مجلات معتبر: انجمن‌های علمی در سیاست‌گذاری و ارزیابی نظام علمی کشور می‌توانند مشارکت مؤثری داشته باشند. در برنامه چهارم به این مقوله توجه شده است. ولی فرایندهای جاری سیاست‌گذاری و ارزیابی علمی اغلب با نادیده گرفتن عرصه علم و بدون استفاده از

مشارکت انجمنهای علمی و دانشگاهیان صورت می‌گیرد. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که مسئولان انجمنهای علمی انتظار ایفای نقش بالاتری در این زمینه‌ها را دارند (فراستخواه - 1386، ص 5). نرخ رشد انجمنهای علمی در چند سال قبل از برنامه سوم، سالانه 9% و در طول برنامه سوم سالانه 18% بوده است اما در حال حاضر فعالیتهای انجمنهای علمی مرتبط با مشارکت در سیاستگذاری و ارزیابی نظام علمی نسبت به کل فعالیتها در سال 81، 1/1% و در سال 82 معادل 7/7% بوده است (همان ص 7). لذا تقویت انجمنهای علمی به وسیله گروههای آموزشی با راهبرد «هر عضو هیأت علمی حداقل، عضو یک انجمن باشد» ضروری به نظر می‌آید.

خوشبختانه انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی تاسیس شده است و فعالیت های درخوری هم دارد و بهتر است اعضای هیأت علمی گروه عربی عضو آن شوند و هر گروهی تلاش نماید انجمنهای علمی در زمینه زبان و ادبیات عربی و تخصصهای آن ایجاد کند مانند انجمن نقد و بلاغت عربی، انجمن ادبیات تطبیقی فارسی و عربی ...

3-2-4- نقش گروه در تاسیس مجله تخصصی با همکاری دیگر گروههای: مجله تخصصی و مسائل پیرامونی آن مانند داوری و ارزیابی مقالات ... نقش مهمی در تولید دانش و ایجاد فضای علمی دارد و موجب رشد علمی اعضای گروه‌های آموزشی می‌شود. البته در این زمینه تلاشهای خوبی شروع شده است. اما کافی نیست.

4-2-4- تاسیس قطب علمی: گروه‌ای عربی در دانشگاههای ایران در این زمینه بسیار ضعیف هستند. آیین‌نامه قطبهای علمی (83/10/24) به استناد بند ج ماده 49 برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مبنی بر سرمایه گذاری در علوم منتخب، تدوین شده است. و در ماده 1 آن، آمده است: «قطب علمی نماد فعالیت سازمان یافته گروهی از اعضای هیأت علمی در یک مؤسسه با توان علمی بالاست که با برتری در یک زمینه علمی تخصصی در علوم بنیادی یا کاربردی شناخته می‌شود و از طریق تمرکز و انسجام بخشیدن به فعالیتهای خود در آن زمینه، برای نوآوری و دستیابی

به کیفیت برتر علمی در سطح ملی، منطقه ای یا بین المللی و پاسخگویی به نیازهای اساسی کشور تلاش می‌کند.» (وزارت علوم تحقیقات و فناوری، قوانین و مقررات) اهداف قطبهای علمی که در ماده 2 این آیین نامه بیان شده قابل توجه است؛ زیرا هماهنگ با توسعه علمی کشور تعریف شده است. این اهداف عبارت است از:

- افزایش مشارکت در گسترش مرزهای دانش و اعتلای موقعیت علمی کشور؛ دستیابی به آخرین یافته های علمی و فناوریهای نوین در زمینه های خاص؛ تولید دانش فنی برای پاسخگویی به نیازهای اساسی کشور؛ فراهم ساختن زمینه پرورش پژوهشگران و دانشمندان تراز اول؛ ایجاد محیط علمی پویا و مولد علم؛ تقویت فعالیتهای علمی گروهی. (همان)

قلمروی که در ماده 4 این آیین نامه برای قطبهای علمی ذکر شده بسیار ارزشمند است و گروه آموزشی می تواند در این زمینه فعال گردد.

قطب علمی در اجرای برنامه مصوب خود می تواند در زمینه های زیر فعالیت کند:

- دستیابی به آخرین یافته های علمی از طریق:

- الف) تولید مقاله های علمی در مرزهای دانش و انتشار آنها؛
 - ب) بررسی و پایش تحولات علمی در حوزه تخصصی مربوط؛
 - ج) بسط روشهای تحقیق و توسعه نرم افزارهای تخصصی در زمینه مربوط؛
 - د) تولید آثار هنری در مقیاس جهانی برای قطبهای گروه هنر.
- ارتباط مؤثر و هدفمند با بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از طریق:
- الف) شناسایی و تدوین نیازهای تحقیقاتی در حوزه مربوط؛
 - ب) همکاری با شرکتهای و سازمانهای اقتصادی در زمینه توسعه فناوری؛
 - ج) اجرای طرحهای پژوهشی برای تولید دانش فنی و حل معضلات اساسی کشور.
 - جلب همکاری نخبگان ایرانی مقیم داخل و خارج کشور؛
 - طراحی دوره های میان رشته‌ای جدید و مورد نیاز کشور و بازنگری در برنامه‌های درسی و آموزشی برای پیشنهاد به مراجع ذی ربط مؤسسه؛
 - پرورش دانشجویان و دانش پژوهان نخبه در دوره های دکتری و پسادکتری.

- مشارکت در توسعه همکاریهای علمی بین المللی از طریق:
- الف) شرکت در کنفرانسها، کارگاههای آموزشی و دوره های تخصصی؛
 - ب) برگزاری کنفرانسهای معتبر بین المللی، کارگاههای آموزشی و دورههای تخصصی با همکاری استادان و محققان برجسته مقیم داخل و خارج از کشور؛
 - ج) مشارکت در اجرای پروژههای تحقیقاتی مشترک و پی ریزی تحقیقات پیشرفته با همکاری مراکز علمی خارج کشور؛
 - د) همکاری در برگزاری دوره های تحصیلی برای دانشجویان خارجی؛ (همان)
- بدین ترتیب ایجاد قطبهای علمی بایستی یکی از اهداف ویژه گروههای آموزشی زبان و ادبیات عربی در دانشگاهها گردد و در برنامه زمانبندی شده، شرایط آن را فراهم نمایند.

7-2-4- توانایی گروه در ایجاد مراکز پژوهشی: جذب هیأت علمی پژوهشی یکی از مواردی است که کمتر مورد توجه مراکز دانشگاهی است. گروههای آموزشی می‌توانند با برنامه ریزی در این امر مشارکت کنند و اعضای هیات علمی‌ای که دارای تجربه‌ی مفید هستند یا توانایی خارق العاده‌ای در انجام طرحهای پژوهشی دارند در این مراکز پژوهشی تخصصی فعالیت کنند.

6- نتیجه گیری

گروههای آموزشی رکن اساسی هر دانشگاهی به شمار می‌روند و نخبگان و اهل فن هر رشته را در خود جای داده‌اند؛ لذا به ناچار باید محور اصلی توسعه علمی دانشگاهها قرار گیرند. این امر با هدفمند کردن گروههای آموزشی از طرف وزارت و با ارائه برنامه پیشنهادی و با مشاورت خود گروه و اعضای آن امکان پذیر است. گروههای عربی کشور باید برنامه های زیر را مد نظر داشته باشند:

- 1- کسب اختیارات بیشتر به منظور دستیابی به اهداف توسعه علمی با اصلاح سرفصلهای دروس و ایجاد دروس جدید متناسب با نیاز جامعه و برنامه ریزی برای ارتقاء سطح علمی اعضای گروه.
- 2- تبیین اهداف آموزشی و پژوهشی در برنامه زمانی مشخص به گونه ای که هماهنگ با توسعه علمی و فرهنگی کشور باشد.
- 3- پی گیری جدی گرایشهای جدید و میان رشته‌ای و پژوهشهای بین رشته ای به عنوان اولویت اول گروههای آموزشی عربی
- 4- عضویت در انجمنهای علمی به ویژه انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی و تلاش برای ایجاد انجمنهای علمی جدید و ایجاد مجلات علمی - پژوهشی

منابع و مأخذ

- آفتابی، محمد، معرفی علم آینده پژوهی، www.ayandeh.com/page1.php?news_id=4782.
- اسماء بنت عبدالرحمن « مستقبل التریبه و التعليم فی مالیزیا دراسه تطبیقیه فی جامعه العلوم الاسلامیه بمالیزیا، » استشراف المستقبل، اوراق المؤتمر العلمی التاسع 2004، عمان - اردن، منشورات جامعه فیلادلفیا، چاپ اول، 2005
- ابن خلدون، عبدالرحمن محمد؛ مقدمه ابن خلدون، بیروت، منشورات دار ومکتبه الهلال، الطبعه الاخیره، 2000م
- پ، اساکل (P.Assakul)، روش های مطالعات آینده پژوهی، مترجم دکتر سعید خزایی (www.futuresdiscovery.com)
- حجازی، سید علیرضا، نگاهی به آینده پژوهی دانشگاهی www.futuresdiscovery.com
- حنفی، حسن، استشراف المستقبل: تاصیل نظری، استشراف المستقبل، اوراق المؤتمر العلمی التاسع 2004، عمان - اردن، منشورات جامعه فیلادلفیا، چاپ اول، 2005
- فراستخواه - مقصود، محمد امین قانعی راد، « بررسی نقش انجمن های علمی و دانشگاهیان در سیاست گذاری و ارزیابی نظام علمی کشور، مجله رهیافت، شماره 41، پاییز و زمستان 1386

- فریدون، عبدالحسین، « سیاستها و راهبردهای علم و فناوری در کشور»، سیاستها و راهبردهای علم، فناوری و فرهنگ، مجموعه مقالات چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاهها و مراکز علمی و تحقیقاتی، ج 2، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، چاپ اول، 1381
- منجره، مهدی، مجله العالم، ص 50، شماره 347، 1990
- واعظ زاده، صادق، «مقدمه ای بر تعیین سیاستها و راهبردهای ملی علم و فناوری»، سیاستها و راهبردهای علم، فناوری و فرهنگ، مجموعه مقالات چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاهها و مراکز علمی و تحقیقاتی، ج 2، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، چاپ اول، 1381
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مجموعه قوانین آموزش عالی تا پایان 1371، تهران، چاپ اول 1372
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری راهبردهای آموزش عالی www.msrt.ir/Strategy
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری آیین نامه های و قوانین:
www.msrt.ir/default.aspx
- ویکی پیدیا، فرهنگ الکترونیکی، واژه آینده پژوهی، (<http://fa.wikipedia.org>)

خلق دور إيجابي للأقسام اللغة العربية وآدابها في تنمية الجامعة العلمية

فرامرز ميرزايي

استاذمشارك في اللغة العربية و آدابها بجامعة بوعلی سینا

على سليمي

استاذ مشارك في اللغة العربية و آدابها بجامعة رازی

الملخص

إن المستقبل لآت أسرع مما نتصوره، و الفوضى التي نعيش فيها هي نتيجة لعدم اهتمامنا بالدراسات المستقبلية. يبدو أن عدم الاهتمام بهذا الامر أدى إلى الفوضى التي أصابت أقسام اللغة العربية و آدابها كسائر الأقسام الموجودة في الجامعات. الامعان في الحضارة الاسلامية، ماضيا، و الحضارة الغربية، حاليا، يقنعنا أن المعرفة اللغوية و تنميتها هي الاساس في التنمية العلمية، لأن اللغة كمؤسسة اجتماعية هامة تعد الوعاء الذي تصب فيه العلوم بمختلف مجالاتها.

اللغة العربية - إضافة إلى كونها لغة دينية للايرانيين و مؤثرة جدا في لغتنا الأمّ و ثقافتنا للجذور المشتركة بين الفارسية و العربية- تعدّ لغة رسمية لـ ٢١ دولة عربية تقع في منطقتي الشرق الاوسط و شمالي افريقيا الاستراتيجيةتين، ولنا مع هذه الدول علاقات ثقافية واقتصادية بحكم الحوار و المصير المشترك في عالمنا اليوم، فكلنا نعاني همًا مشتركًا. اذن، اللغة العربية و آدابها هي الباب الرئيس للوصول بين هاتين المنطقتين الهامتين. فيامكاننا أن نجعلها آلة مؤثرة تساعد الدولة و جامعاتنا في تقدم علمي باهر و تحوّلها إلى فرع علمي محبب لدى الطلاب والأستاذة حيث تصل إلى مكانة لائقة بين الأقسام الجامعية الأخرى و ذلك بمساهمتها في إنشاء فروع بينية جديدة و مراكز بحثية اجتماعية و اقتصادية و لغوية و انشاء جمعيات علمية و مجالات محكمة و الاهتمام بالمجالات العلمية الحديثة.

المفردات الرئيسية: التقدّم العلمي، التنمية الثقافية، اللغة العربية .